



مروری بر تنگناهای مشارکتی در تعاونیهای زنان روستایی ایران

چکیده

مشارکت فرآیندی چند بعدی و به مفهوم متشکل ساختن گروه های مردم برای انجام رسالتهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اکولوژیکی است که برای تحقق آن شرایط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خاصی مورد نیاز است.

مقاله حاضر می کوشد تا ضمن بررسی موانع و تنگناهای مشارکتی که بر سر راه زنان روستایی است، وضعیت تعاونیهای آنها را که با اهداف مختلف برای کمک به این قشر از جامعه تشکیل شده مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. زنان روستایی با وجود داشتن وظایف متعدد و متنوع، مشارکت یابینی در تصمیم گیریها دارند؛ که از دلایل این امر می توان به پایین بودن سواد زنان روستایی، داشتن فرزندان متعدد، آداب و رسوم قدیمی و وجود برخی قوانین و مقررات اجتماعی اشاره کرد. یکی از مکانیزمهای مناسب مشارکتی در این راستا تعاونیهای زنان روستایی هستند که از سال ۱۳۷۳ در ایران شروع به فعالیت نموده و تا پایان سال ۱۳۸۱ تعداد آنها به ۲۹۱ تعاونی رسیده است. این تعاونیها، زنان روستایی را در استانهای مختلف کشور تحت پوشش قرار داده اند، اما متأسفانه بررسیهای انجام شده حاکی از این است که این تعاونیها در بهبود شرایط زندگی زنان عضو آنها تأثیر اندکی داشته اند.

این مطالعه که به صورت کتابخانه ای، اسنادی و مصاحبه انجام شده، ضمن بر شمردن تنگناهای مشارکتی زنان روستایی، سابقه ایجاد تعاونیهای زنان روستایی در ایران و وضعیت آنها را نیز مورد بررسی قرار می دهد.

مقدمه

توسعه روستایی بر اساس مشارکتهای مردمی، از اواخر دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰ به صورت گسترده و وسیع مطرح گردید؛ و با عنایت به نقش تعیین کننده زنان، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سال ۱۹۷۵ را "سال بین المللی زن" و دهه، ۸۵-۱۹۷۶ را "دهه زن" نامگذاری نمود.

با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می دهند، اما با این وجود به دلایل مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی تعادل مطلوب و قابل قبولی در امر مشارکت عادلانه آنها برقرار نشده است (سازمان جهانی خوارو بار کشاورزی، ۱۳۷۴). این در حالی است که زنان روستایی به ویژه در کشورهای جهان سوم، با وجود تنوع



**مشارکت فرآیندی چند بعدی و
به مفهوم متشکل ساختن گروه
های مردم برای انجام
رسالتهای اجتماعی، فرهنگی،
اقتصادی و اکولوژیکی است
که برای تحقق آن شرایط
سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و
اقتصادی خاصی مورد نیاز
است.**

*دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی
دانشگاه شهید چمران اهواز - مجتمع عالی رامین
** استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه
شهید چمران اهواز - مجتمع عالی رامین



زنان روستایی با وجود داشتن وظایف متعدد و متنوع، مشارکت پایینی در تصمیم گیریها دارند؛ که از دلایل این امر می توان به پایین بودن سواد زنان روستایی، داشتن فرزندان متعدد، آداب و رسوم قدیمی و وجود برخی قوانین و مقررات اجتماعی اشاره کرد.



گاندی توجه به سه عنصر اعزام خادمین روستایی، ایجاد جمهوری های کوچک دهات و فداکاری و خدمت به دیگران در روستاها را در جلب مشارکت روستاییان در توسعه روستایی لازم می داند.

وظایفی که به عهده دارند، اما از قدرت تصمیم گیری کمتری برخوردار هستند و موانع مشارکتی بر سر راه آنها نسبت به زنان شهری از شدت بیشتری برخوردار است، به همین دلیل ضروری به نظر می رسد که اقداماتی در جهت رفع موانع مشارکتی زنان روستایی به عمل آید. تعاونیها سازمانهای مردمی با عضویت آزاد برای همگان هستند؛ زنان می توانند با گردهم آمدن و تشکیل این تعاونیها تلاش ارزنده ای را در جهت رفع موانع مشارکتی خود در جامعه بنمایند، که البته بدون حمایت و پشتیبانی ارگانهای دولتی این مهم مقدور نمی باشد. بدین منظور وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی (پیش از ادغام) فعالیتهایی را از سال ۱۳۷۳ در رابطه زنان روستایی آغاز کرده اند که تا کنون نیز همراه با فراز و نشیبهایی ادامه دارد.

این مطالعه که به صورت اسنادی، کتابخانه ای و مصاحبه انجام شده، ضمن بر شمردن تنگناهای مشارکتی زنان روستایی، سابقه ایجاد تعاونیهای زنان روستایی در ایران و وضعیت آنها را نیز مورد بررسی قرار داده که امید است برای خوانندگان مفید واقع شود.

مشارکت

سازمان ملل متحد مشارکت را دخالت و درگیر شدن مردم در فراگردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می داند که بر سرنوشت آنان اثر می گذارند (رنیسیان، ۱۳۷۹).

در این تعریف مشارکت فرایندی است که طی آن قشر آسیب پذیر جامعه اعم از زن و مرد با توجه به نقشها و وظایف خود، در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه شرکت موثر و معنی داری داشته باشند؛ که برای دستیابی به این هدف نیازمند آموزش در ابعاد مختلف می باشند تا علاوه بر ارتقا دانش و آگاهی لازم در جهت برنامه ریزی و اجرای امور، روحیه خودباوری و احساس مسئولیت نیز در این قشر پرورش داده شود تا آنها خود را در انجام امور محوله قادر و توانا ببینند.

صاحب نظران مختلفی چون: مهاتما گاندی، سالیبا عمرو میسرا در رابطه با عوامل جلب مشارکت روستاییان سخن گفته اند. مهاتما گاندی توجه به سه عنصر اعزام خادمین روستایی، ایجاد جمهوری های کوچک دهات و فداکاری و خدمت به دیگران در روستاها را در جلب مشارکت روستاییان در توسعه روستایی لازم می داند. «سالیبا عمر» از تاسیس «تهاد مشارکتی» و «نظام عدم تمرکز» به عنوان مکانیزمهایی برای جلب مشارکت مردم نام می برد؛ و «میسرا» مهمترین عامل را در جلب مشارکت مردم «دولت» می داند و بر این باور است که جهت جلب مشارکت مردم، ضعفها و اغنبا باید در شرایطی برابر در تصمیم گیری شرکت نمایند و چنانچه نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی، ضعفها را در شرایط نامساعدتری قرار دهد، ارگانهای رسمی باید آنها را مورد حمایت قرار دهند (عفتی، ۱۳۷۱).

سازمان جهانی خوار و بار کشاورزی مشارکت را به هفت نوع مختلف تقسیم کرده است که عبارتند از: مشارکت انفعالی (قرار گرفتن مردم در جریان آنچه که روی می دهد یا قرار است روی دهد)، مشارکت در ارائه اطلاعات (پاسخگویی به پرسشهایی که محققان مطرح می کنند).

مشارکت از طریق مشورت (مشورت کارگزارهای بیرونی با مردم و اصلاح راه حلها با توجه به پاسخهای ارائه شده توسط مردم)، مشارکت برای انگیزه های مادی (تامین نیروی کار از سوی مردم در مقابل گرفتن غذا، پول یا سایر انگیزه های مادی)، مشارکت از پیش تعیین شده در رابطه با پروژه (شرکت دادن مردم بعد از برنامه ریزی و اتخاذ تصمیمهای اساسی)، مشارکت تعاملی (شرکت دادن مردم در تجزیه تحلیلها)، بسیج خودجوش (انجام اقداماتی مستقل از نهادهای بیرونی برای تغییر نظامها). همانطور که ملاحظه می شود در بیشتر انواع مشارکت مردم در تصمیم گیریها و برنامه ریزیها شرکت داده نمی شوند و مشارکت آنها در تامین نیروی کار، پاسخ دادن به پرسشهای محققان و بیان مشکلات و نیازهایشان خلاصه می شود.

مشارکت زنان (روستایی)

در میان قشر آسیب پذیر، مشارکت زنان به خصوص زنان روستایی در کشورهای جهان سوم با تنگناهای اساسی روبه روست (کارجویان، ۱۳۷۵). این در حالی است که در اعلامیه و برنامه کار کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه روستایی آمده: زنان باید همگام و همپای مردان در فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توسعه روستایی سهیم و شریک باشند و به طور کامل در بهبود وضع زندگی ساکنان مناطق روستایی ایفای نقش نمایند (سازمان خوار و بار کشاورزی، ۱۳۷۴).

زنان روستایی چهل درصد از نیروی انسانی در بخش کشاورزی را تشکیل می دهند و پنجاه درصد از فعالیتهای مربوط به تولیدات کشاورزی را بر عهده دارند. آنها در تمام مراحل پرورش دام نقش به سزایی دارند و طبق اطلاعات موجود ۷۵ درصد از تولیدات صنایع دستی در کشور ما در انحصار زنان است (زینون، ۱۳۷۷). با این وجود به لحاظ برخی تنگناهای ساختاری حاکم بر مناطق روستایی، مشارکت آنان در ابعاد مختلف با موانع و مشکلاتی روبه روست. به راستی چرا و به چه دلیل زنان روستایی ما با وجود تعدد وظایف و مسئولیتهایی که بر عهده دارند از میزان مشارکت پایینی در ابعاد مختلف جامعه برخوردار هستند؟

به طور قطع موانعی بر سر راه مشارکت فعال آنها در جامعه وجود دارد. برای روشن نمودن این موضوع لازم است که این موانع و مشکلات را مورد بررسی و مطالعه قرار داد.

موانع مشارکت زنان (روستایی)



زنان روستایی چهل درصد از نیروی انسانی در بخش کشاورزی را تشکیل می دهند و پنجاه درصد از فعالیتهای مربوط به تولیدات کشاورزی را بر عهده دارند. آنها در تمام مراحل پرورش دام نقش به سزایی دارند و طبق اطلاعات موجود ۷۵ درصد از تولیدات صنایع دستی در کشور ما در انحصار زنان است



شرکت تعاونی جمعیتی است مرکب از اشخاص که به طور داوطلبانه برای وصول به هدفی مشترک دور هم جمع شده، سازمانی اقتصادی که بر اساس دموکراسی اداره گردد، تشکیل دهند و هر یک بطور منصفانه در تأمین سرمایه لازم سهیم شوند.

عوامل و موانع متعدد و مختلفی برای مشارکت زنان روستایی وجود دارد، که از مهمترین عوامل و موانع مشارکتی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نداشتن سواد یا پایین بودن سطح سواد بیشتر زنان روستایی
- عدم وجود نهادهای مناسب مشارکتی در سطح روستاها
- وجود تنگناهای حقوقی در پاره ای از قوانین و مقررات اجتماعی. این تنگناها باعث شده تا زنان "به طور عمده از مالکیت زمین، باز کردن حسابهای بانکی، عقد قرارداد اعتباری به نام خود و حتی از فروش محصولات خود بدون تایید همسرانشان منع شوند (برزگر، ۱۳۷۳).
- آداب و رسوم قدیمی؛ بعضی از جوامع زنان را از صحبت، با مردانی غیر از خانواده خود منع می کنند و یا در بسیاری مناطق زنان به وضوح از انجام فعالیتهای غیر از کارهای خانه منع می شوند (وکلی و گارفوت، ۱۳۶۹).
- به حساب نیامدن در آمار و ارقام حسابهای ملی (به علت اینکه بابت کار خانگی و کار زنان در مزارع دستمزد پرداخت نمی شود).
- دسترسی پایین به اعتبارات و تسهیلات اعطایی از سوی بانکها و سایر موسسات مالی
- دسترسی پایین به تکنولوژی و نهادهای کشاورزی
- فقدان تحرک (اجتماعی و جغرافیایی) به علت داشتن فرزندان متعدد با فاصله های سنی اندک یا مسئولیتهای خانگی.

علاوه بر موانع فوق، دسترسی کمتر زنان روستایی به خدمات و آموزشهای ترویجی در مقایسه با مردان و تعداد کم مروجان زن نیز می تواند یکی از تنگناهای مشارکتی زنان به حساب آید (FAO, 1996 a). به طور قطع زنان روستایی به تنهایی نمی توانند در جهت رفع موانع و تنگناهای فوق اقدام نمایند، بلکه نیاز به حمایت و پشتیبانی دارند. سیاستگذارها و برنامه ریزهای دقیق و اصولی، نیازسنجی در هر منطقه، سرمایه گذاری بر روی زنان و دختران روستایی، آموزش آنها و ایجاد فرصتهایی جهت پرورش تواناییها و استعدادهایشان و افزایش تعداد مروجان زن در سطح روستاها می تواند در رفع موانع فوق مفید واقع شود.

انجام این فعالیتها نیاز به سازمانی مردمی دارد؛ تعاونیها نهادهای مردمی و مشارکتی هستند که باعث حضور چشمگیر زنان در عرصه های مختلف اقتصادی- اجتماعی در سطح روستاها می شوند.

شرکت تعاونی

دفتر بین المللی کار، در مارس ۱۹۶۶ تعریفی از شرکتهای تعاونی به شرح زیر منتشر کرده است:

شرکت تعاونی جمعیتی است مرکب از اشخاص که به طور داوطلبانه برای وصول به هدفی مشترک دور هم جمع شده، سازمانی اقتصادی که بر اساس دموکراسی اداره گردد، تشکیل دهند و هر یک بطور منصفانه در تأمین سرمایه لازم سهیم شوند و به سهم خویش مسئولیت سود و زیان ناشی از عملیاتی را که خود به نحو موثر در آن شرکت داشته اند بر عهده گیرند (ناهید، ۱۳۴۶). بر این مبنا، اتحادیه بین المللی تعاون (ICA) اصول عضویت اختیاری و آزاد، کنترل دموکراتیک توسط اعضا، مشارکت اقتصادی اعضا، استقلال و عدم وابستگی، آموزش، همکاری، تعاونیها با یکدیگر و توجه به جامعه را برای تعاونی بر می شمرد (پراکاش،

۱۳۷۷). همچنین، گروه توسعه پایدار (FAO, 1996 b) در یکی از مقالات خود آورده که آموزش، تعلیم و تربیت و اطلاعات نقش مهمی را در افزایش دخالت زنان در تعاونیها بازی می کنند. اما آنها موثرتر واقع می شدند اگر:

- برنامه ها سازگاری بیشتر و بهتری با نگرانیهای متعدد زنان از قبیل تندرستی، خانه داری و ... داشتند.
 - آموزشگران زن بیشتری در دسترس می بودند تا بدین وسیله شرکت زنان در دوره ها آسانتر می گشت
 - بر مواد آموزشی نوشتاری تأکید کمتری می شد تا زنان بیسواد نیز بتوانند از آموزشها استفاده کنند،
 - برنامه های رادیویی تعاونی بیشتر به زبانهای محلی تهیه می شد.
- تعاونیها می توانند با ارتقاء دانش و ظرفیتهای علمی زنان، آنان را توانمند سازند؛ همچنین می توانند با آموزش اصول توسعه مشارکتی، تدریس روشهای تصمیم گیری گروهی و پرورش اعتماد به نفس، به مخاطبان خود خدمت موثری بنمایند.

با توجه به اصل عضویت اختیاری و آزاد در تعاونیها، هیچگونه محدودیتی برای شرکت زنان روستایی در این سازمانها وجود ندارد. زنان می توانند با داشتن سرمایه اندک در این تعاونیها عضو شده و با گردهم آمدن در کنار یکدیگر علاوه بر مطرح کردن تولیدات خود به صورت اقتصادی، آموزشها و نهادهای مورد نیاز خود را نیز دریافت نمایند. تعاونی می تواند بستر مناسبی برای آموزش زنان در زمینه های مختلفی چون مرغداری، پرورش دام، صنایع غذایی و ... باشد؛ و نیز با برگزاری جلسات توجیهی، زنان را با قوانین و مقررات چگونگی گرفتن وام و سایر ادوات مورد نیاز از بانکها آشنا نماید.

تعاونیه‌های زنان روستایی



تعاونیه‌ها می‌توانند با ارتقاء دانش و ظرفیتهای علمی زنان، آنان را توانمند سازند؛ همچنین می‌توانند با آموزش اصول توسعه مشارکتی، تدریس روشهای تصمیم‌گیری گروهی و پرورش اعتماد به نفس، به مخاطبان خود خدمت موثری بنمایند.

قبل از تشکیل جهاد کشاورزی، وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی به طور جداگانه در زمینه زنان روستایی فعالیت می‌نمودند. دفتر مشارکت و بسیج مردمی معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی از سال ۱۳۷۲ فعالیتهای گسترده‌ای را در موضوع تشکل‌های اقتصادی زنان روستایی شروع نمود؛ این دفتر، طرح "سازماندهی زنان روستایی بهره‌بردار" را که بعدها به عنوان "پروژه شبکه زنان تولیدکننده خانگی" تغییر نام داد را به عنوان یکی از فعالیتهای محوری سال ۱۳۷۳ خود در دستورکار قرار داد (دفتر برنامه ریزی توسعه تشکلهای بخش کشاورزی، ۱۳۷۷).

دفتر ترویج فعالیتهای زنان روستایی نیز با حمایت دفتر امور زنان ریاست جمهوری، طرح ایجاد تعاونیهای روستایی زنان را ارائه نمود که اساسنامه آن در دیماه ۱۳۷۲ به همت سازمان مرکزی تعاون روستایی در وزارت کشاورزی تهیه و فعالیتهای مربوط به آن از همان سال آغازگشت (سازمان مرکزی تعاون روستایی، ۱۳۸۱).

در مجموع اهداف دو وزارتخانه سابق را در این زمینه می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- سازماندهی فعالیتهای تولیدی زنان روستایی
- بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی خانوار روستایی
- دسترسی بیشتر زنان روستایی به اعتبارات، بازار و مراجع تصمیم‌گیری
- فراهم آوردن امکان آموزشهای موردنیاز برای زنان روستایی

فعالیتهای دو وزارتخانه جهاد سازندگی و کشاورزی از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۱ باعث شکل‌گیری و تشکیل ۲۹۱ شرکت تعاونی زنان روستایی در استانهای مختلف کشور گردید. جدول شماره ۱ روند تاسیس این تعاونیها را در سالهای مختلف نشان می‌دهد.

با توجه به جدول شماره ۲، در میان استانهای کشور، استانهای خراسان و تهران به ترتیب با داشتن ۵۵ و ۳۲ تعاونی در اولویت قرار دارند و استانهای ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر و سیستان و بلوچستان به ترتیب با داشتن ۲-۲-۱۷۱ تعاونی، کمترین تعداد را دارا هستند. از نظر تعداد اعضای زن، استان گیلان با تحت پوشش قرار دادن ۳۸۸۶ نفر در رتبه اول و استان قزوین با تحت پوشش قرار دادن ۵۵ نفر از زنان روستایی در رتبه آخر قرار دارد.

این تعاونیها بیشتر به فعالیتهای صنایع روستایی و تبدیلی از قبیل: گلیم بافی، ورنی بافی، جاجیم بافی، حصیر بافی، سید بافی، تولید پوشاک، توب دوزی و بسته بندی خشکبار مشغول می‌باشند؛ که با توجه به اینکه زنان روستایی نقش عمده‌ای در فعالیتهای زراعی و باغی دارند، جای اینگونه فعالیتهای در تعاونیهای خالی و یا بسیار اندک است.

اما روند رشد تعاونیهای زنان روستایی از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۱ با توجه به نمودار شماره ۱، نشان می‌دهد که بیشترین تعداد تعاونیهای زنان در طی سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ تشکیل شده‌اند و پس از آن روند رشد تعاونیها سیر نزولی داشته است، به طوری که در سال ۸۱ کمترین رشد را مشاهده می‌کنیم.

جدول ۲: پراکنش تعاونیها در استانهای کشور

ردیف	استان	تعداد تعاونیها	اعضای زن (تعداد)	اعضای مرد (تعداد)
۱	آذربایجان شرقی	۱۱	۱۶۴۳	
۲	آذربایجان غربی	۱۶	۱۳۴۷	۴
۳	اردبیل	۹	۱۳۷۸	
۴	اصفهان	۱۳	۳۳۲۶	
۵	ایلام	۲	۶۷	۱
۶	بوشهر	۱	۷۷	
۷	تهران	۳۲	۲۳۷۲	۳۲
۸	چهارمحال بختیاری		۹۲۷	
۹	خراسان	۵۰	۱۴۰۴	۳۳
۱۰	خوزستان	۱۵	۳۱۳۵	۳
۱۱	زنجان	۷	۶۶۳	۲
۱۲	سمنان	۷	۷۷	
۱۳	سیستان و بلوچستان	۱	۳۴۰	
۱۴	فارس	۱۶	۲۸۲۸	
۱۵	قم	۴	۳۷۸	
۱۶	قزوین	۳	۵۵	۲
۱۷	کردستان	۳	۲۷۹	
۱۸	کرمان	۱۶	۳۱۳۹	۲۰
۱۹	کرمانشاه	۷	۵۶۴	۴
۲۰	کهگیلویه و بویراحمد	۲	۴۸۰	
۲۱	گلستان	۱۱	۱۵۷۰	
۲۲	گیلان	۱۵	۳۸۸۶	۴
۲۳	لرستان	۹	۷۲۷	
۲۴	مازندران	۱۰	۱۴۸۵	۳
۲۵	مرکزی	۳	۲۸۶	
۲۶	همدان	۷	۳۶۹	
۲۷	هرمزگان	۳	۱۶۹۰	۲
۲۸	یزد	۱۳	۷۳۴	۱۴
	جمع کل	۲۹۱	۳۶۱۰۸	۱۳۴

مأخذ: سازمان مرکزی تعاون روستایی و گروه تولیدکنندگان خرد جهادسازندگی (سابق)

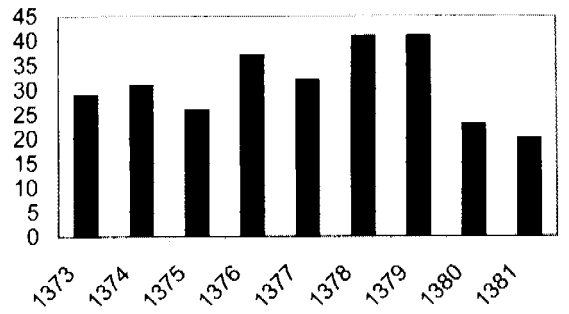
جدول ۱: روند رشد تعاونیهای روستایی زنان

(۱۳۷۳-۱۳۸۱)

سال تاسیس	تعاونیها (تعداد)
۱۳۷۳	۲۹
۱۳۷۴	۳۱
۱۳۷۵	۲۶
۱۳۷۶	۳۷
۱۳۷۷	۳۲
۱۳۷۸	۴۱
۱۳۷۹	۳۱
۱۳۸۰	۲۳
۱۳۸۱	۲۰
جمع کل	۲۸۰

* توضیح: اختلاف موجود به دلیل نبود تاریخ تاسیس برخی از تعاونیها می‌باشد.

نمودار ۱: روند رشد تعاونی های زنان روستایی



شاید مساله ادغام دو وزارت جهاد سازندگی و کشاورزی و تنشهای مربوط به آن، همچون ریزش یا جابه جایی پرسنل، مدیران و به طبع آن کاهش انگیزه کاری افراد را بتوان از دلایل تاثیرگذار در فعالیتهای این دو وزارتخانه و توجه و رسیدگی کمتر آنها به زنان روستایی و فعالیتهای آنها دانست که نتیجه آن به صورت کاهش تشکیل تعاونیها نمود پیدا کرده است. از طرفی نتیجه ارزشیابی دفتر برنامه ریزی توسعه تشکلهای بخش کشاورزی از تعاونیهای زنان تولید کننده خانگی روستایی بیانگر آن است که ایجاد این تشکلهای بیش از آنکه جنبه خود جوش داشته و متناسب با نیازها و ضرورتهای محلی صورت گرفته باشد، عمدتاً القایی بوده است؛ همچنین گرایش دیدگاههای زنان عضو این تعاونی ها عمدتاً به سمت تأثیر اندک این تعاونیها در بهبود زندگی و فعالیت اعضا سوق یافته است (دفتر برنامه ریزی توسعه تشکلهای بخش کشاورزی، ۱۳۸۱).

همچنین دفتر ترویج و توسعه مشارکتهای مردمی گروه تعاونیهای آموزشی زنان و جوانان (۱۳۸۰) مشکلاتی را به شرح زیر برای تعاونیهای زنان برمی شمارد:

- نبود مدیریت مجرب، کارا و متخصص در کادر رهبری
- مواجه بودن با مشکلات بازاریابی (عدم وجود بازاریاب با تجربه در تعاونی)
- عدم توان اعضا در تامین نقدینگی مورد نیاز جهت گردش کار
- بالا بودن بهره وامهای دریافتی
- مشکل تهیه وثیقه و دریافت تسهیلات بانکی به جهت عدم اعتماد و باور بانک به تعاونیهای بانوان
- عدم به کارگیری روشهای جدید تولید و فن آوری
- پایین بودن تحصیلات اعضا

نتیجه گیری و پیشنهادات

مشارکت نیز مانند توسعه، تعاریف مختلفی دارد و بسته به هدف می تواند ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را شامل شود. توسعه کشور منوط به مشارکت همه جانبه مردم آن است و در این میان زنان به عنوان نیمی از جمعیت هر کشور می توانند نقش بسیار مؤثری را ایفا نمایند.

زنان روستایی که بخش عمده ای از جمعیت روستاها را تشکیل می دهند، در امور خانه داری و پرورش کودکان، زراعت و تهیه فرآورده های دامی و صنایع دستی، و دیگر امور روستا مانند بازار یابی مشارکت دارند. آنها ۴۰ درصد از نیروی کار در بخش کشاورزی را شامل شده و ۵۰ درصد از فعالیتهای مربوط به تولیدات کشاورزی به وسیله آنها انجام می شود؛ در ضمن زنان در تمام مراحل پرورش دام نقش بسزایی داشته و ۷۵ درصد از تولیدات صنایع دستی کشور نیز در دست زنان می باشد؛ با این حال حضور و مشارکت زنان در تصمیم گیری ها محدود است.

مشارکت با تفویض قدرت به اقشار پایین جامعه در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آموزش آنها در جهت استفاده صحیح و بهینه از این قدرت همراه است. سازمان جهانی خواروبار کشاورزی (FAO) مشارکت را به انواع مختلفی چون: مشارکت انفعالی، مشارکت در ارائه اطلاعات، مشارکت از طریق مشورت، مشارکت برای انگیزه های مادی، مشارکت از پیش تعیین شده در رابطه با پروژه، مشارکت تعاملی و بسیج خودجوش تقسیم کرده است؛ که نقش مردم از مشارکت در انواع فوق بیشتر به پاسخگویی به پرسشهای محققان و توجه احتمالی کارگزاران بیرونی به نظرات آنها و نیز به صورت ارائه نیروی کار خود در مقابل غذا یا پول و... خلاصه می شود؛ و نه به صورت شرکت در تصمیم گیریها و برنامه ریزیهایی که در نهایت خودشان مسئولین اصلی اجرای آنها هستند. صاحب نظران مختلفی به " نقش دولت"، " اعزام خادمین روستایی" و " تاسیس نهادهای



بی سواد بودن بیشتر زنان روستایی، آداب و رسوم قدیمی، دسترسی پایین به اعتبارات، تسهیلات بانکی و منابع تولید، فقدان تحرک اجتماعی و جغرافیایی و عدم وجود نهادهای مناسب مشارکتی در سطح روستا، موانع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر سر راه مشارکت زنان است.



سرمایه گذاری بر روی آموزش زنان و دختران روستایی و ایجاد فرصت هایی جهت پرورش توانایی ها و استعداد های آنان، می تواند گام مؤثری در جهت رفع تنگنای ها موجود باشد



مشارکتی در سطح روستاها اشاره داشته اند، که بر پایه آن می توان چنین استنباط کرد که دولت می تواند با حمایت و پشتیبانی از ایجاد نهادهای مشارکتی در سطح روستاها و اعزام افرادی در جهت آموزش و ارائه خدمات و اطلاعات مورد نیاز روستاییان، نقش مهمی را در تقویت روحیه مشارکتی، کار گروهی و آشکار کردن استعدادها و بالقوه روستاییان ایفا نماید. زنان روستایی نقش مهمی را در انجام امور روستاها به عهده دارند، ولیکن به دلیل وجود موانع و تنگناهای مختلف که بیشتر ریشه در فرهنگ و آداب و رسوم مردم روستا، قوانین و مقررات حقوقی و برنامه ریزیها و سیاستگذاریهای کشوری دارد، سهم ناچیزی را در آمار و ارقام ملی به خود اختصاص داده اند. بی سواد بودن بیشتر زنان روستایی، آداب و رسوم قدیمی، دسترسی پایین به اعتبارات، تسهیلات بانکی و منابع تولید، فقدان تحرک اجتماعی و جغرافیایی و عدم وجود نهادهای مناسب مشارکتی در سطح روستا، موانعی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر سر راه مشارکت زنان است.

تعاونیهای زنان روستایی، نهاد مشارکتی مناسبی در جهت رفع موانع موجود می باشند که فعالیت خود را از سال ۱۳۷۳ در استانهای مختلف کشور بیشتر در زمینه صنایع روستایی و تبدیلی شروع کرده اند؛ ولی متأسفانه بررسی روند رشد این تعاونیها نشان داد که این رشد در سالهای اخیر نزولی بوده که علت آن را می توان به عدم تحقق اهداف تشکیل این تعاونیها و مشکلات موجود بر سر راه آنها، عدم شناخت نیازهای هر منطقه هنگام تشکیل تعاونیها، عدم توجه کافی به امور زراعی و دامی در فعالیتهای تعاونیها مرتبط دانست که در مجموع باعث کاهش انگیزه مشارکت زنان روستایی در این تعاونیها شده است، که بر این مینا پیشنهاد های ذیل به صورت خلاصه ارائه می گردد:

- شناخت متغیرهای موثر بر مشارکت در جامعه
- رفع موانع موجود بر سر راه مشارکت زنان روستایی در هر منطقه
- علت یابی دقیق کاهش روند رشد تعاونیها
- فرهنگ سازی در زمینه ایجاد تعاونیهای زنان در روستاها
- نیازسنجی در هر منطقه قبل از ایجاد تعاونی
- توجه بیشتر به فعالیتهای زراعی، باغی و دامی
- ایجاد زمینه های مناسب به منظور استقلال فکری و شرکت زنان در امور مختلف تولید
- ایجاد زمینه های مناسب به منظور استقلال اقتصادی و افزایش نقش اقتصادی زنان در امور تولید در

روستاها

منابع

- ۱- اوکلی، پیترو و کریستوفر گارفوت. (۱۳۶۹). راهنمای آموزش ترویج. مترجم: محمد حسین عمادی. چاپ اول. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی - وزارت جهاد سازندگی.
- ۲- بی نام. (۱۳۷۳). "زنان روستایی، ستون فقرات فعالیتهای کشاورزی". شماره ۶۷۶.
- ۳- بی نام. (۱۳۷۷). "سهم زنان در کشاورزی ایران، ۴۰٪". شماره ۱۳۷.
- ۴- پراکاش، دامان. (۱۳۷۷). اهداف اجتماعی تعاونیها. مترجم: معصومه رضایی. چاپ اول. تهران: اتحادیه سراسری تعاونی مصرف کارکنان دولت (اسکاد).
- ۵- دفتر برنامه ریزی توسعه تشکلهای بخش کشاورزی. (۱۳۸۱). مطالعه ارزشیابی شرکتهای تعاونی زنان تولید کننده خانگی روستایی. معاونت ترویج و نظام بهره برداری، وزارت جهاد کشاورزی، تهران.
- ۶- دفتر برنامه ریزی و توسعه تشکلهای بخش کشاورزی. (۱۳۷۷). پروژه تشکیل و سازماندهی شبکه زنان تولید کننده روستایی. معاونت ترویج و نظام بهره برداری، وزارت جهاد سازندگی، تهران.
- ۷- دفتر ترویج و مشارکتهای مردمی گروه تعاونیهای آموزشی زنان و جوانان. (۱۳۸۰). تحلیلی بر عضویت زنان در شرکتهای تعاونی و وضعیت تعاونیهای زنان. وزارت تعاون، تهران.
- ۸- رئیسیان، لیلا. (۱۳۷۹). بررسی رابطه بین عزت نفس و میزان مشارکت زنان در تعاونیهای زنان استان مازندران. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- ۹- رضایی، عبدالعلی. (۱۳۷۶). ایدئولوژی توسعه، دولت و جنسیت. گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰. تهران: مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران.
- ۱۰- سازمان جهانی خوار و بار کشاورزی. (۱۳۷۴). زنان در توسعه کشاورزی؛ فائو. مترجم: غلامحسین صالح نسب. چاپ اول. تهران: مدیریت مطالعات و بررسیها - معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی.
- ۱۱- سازمان مرکزی تعاون روستایی. (۱۳۸۱). اهم فعالیتهای تعاونیهای روستایی زنان تا پایان مرداد ماه ۱۳۸۱.
- ۱۲- عفتی، محمد. (۱۳۷۱). بررسی عوامل مؤثر در مشارکت روستاییان در طرحهای توسعه روستایی. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- ۱۳- ناهید، منوچهر. (۱۳۴۶). نقش شرکتهای تعاونی در پیشرفت و توسعه کشاورزی. تهران: مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونی.

14- F.A.O, 1996 a, *Women, Agriculture and Rural Development*. Sustainable Development Department (SD), Rome, Italy.

15- F.A.O, 1996 b, *The Gender Dimension in Rural Cooperatives*. Sustainable Development Department (SD), Rome, Italy.